مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

Metaphors as an Approach to the Creation and Re-Creation of an Architectural Work: The Behshahr Industrial Group as a Case Study

Bahareh Shavandi[1], Manouchehr Foroutan[2]*, Mohammad mehdi Mahmoodi[3], Seyed Mahmood Moeini[4]

1-PhD Candidate of Architecture, Department of Architecture, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2-Department of Architecture, H.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
3-Professor, Department of Architecture School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran
4-Department of Architecture, Mal.C., Islamic Azad University, Malayer, Iran
*Manouchehr Foroutan@iau.ac.ir

Date of submission: 2026/05/02 Revision: 2026/07/01 Acceptance: 2026/07/13

Abstract

Undoubtedly, creative reinvention stands as a cornerstone of design and a unique, indispensable factor that defines the distinctiveness, superiority, and aesthetic appeal of a building compared to its counterparts. Architecture—as a manifestation of human life within specific temporal and spatial contexts—reflects human thought, beliefs, and ways of living; it articulates identity through the medium of conceptualization and creativity, establishing the architect as the creator of the architectural work. First, the reflection of the architect's personality in the architectural work, then the cultural significance of the work and its belonging to a specific intellectual movement and society, along with the artist's talent and creativity, cultural and artistic trends have a significant impact on the result of the architect's work, who is the creator of the work of art in the form of an architectural phenomenon. Thus, it can be noted that the variables of this study are of the nominal and qualitative type, and the dependent variables are also of the same type, and the intervening variables can also refer to the influence of the role of cultural, social, political, and economic currents, which appear in most concepts such as tangible and intangible strategies. This article attempts to analyze and explore the metaphors used in the aforementioned building by examining an objective example such as the Behshahr Industrial Group by Nader Ardalan, which is done in an interpretative-historical and qualitative manner.

Keywords : Metaphor, Re-creation, Behshahr Industrial Group, Architects' Approach, Identity of Architectural Work

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

استعاره‌ها، رهیافتی در آفرینش و بازآفرینی یک اثر معماری (مصداق عینی: گروه صنعتی بهشهر)

بهاره شوندی[۱] ، منوچهر فروتن[۲*] ، محمد مهدی محمودی[۳]، سید محمود معینی[۴]

۱- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحدهمدان ، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲- استادیارگروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران*

۳- استادیار،گروه معماری، دانشکده معماری ، دانشکدگان هنر های زیبا ، دانشگاه تهران ، تهران ، ایران

۴- استادیارگروه معماری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران

*Manouchehr Foroutan@iau.ac.ir

تاریخ ارسال:۱۴۰۵/۰۲/۱۲ **بازنگری:۱۴۰۵/۰۴/۱۰** **پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲**

چکیده:

بی شک بازآفرینی (خلاقیت)؛ از جمله مهمترین ارکان طراحی و عامل ماندگاری، بی‌بدیل و منحصر به فردی بوده که تمایز، برتری و زیبایی هرساختمان را نسبت به موارد مشابه آن رقم می زند ومعماری می تواند بعنوان یکی از وجوه تجلی زندگی انسان در محدودهٔ زمانی و مکانی خاص بازتاب افکار، عقاید و روش زیست انسان، بیانگر هویت و در غالب تفکر و خلاقیت باشد که از منظر معماری به عنوان خالق اثر معماری شناخته می شود. در وهله نخست انعکاس شخصیت معمار در اثر معماری،سپس بار فرهنگی اثر و تعلق آن به یک نهضت فکری و جامعه‌ای خاص ، در کنار استعداد و خلاقیت هنرمند، جریان‌های فرهنگی و هنری بر نتیجهٔ عمل معمار که خالق اثر هنری در قالب یک پدیده معماری است ،تأثیربسزایی می‌گذارند. بدین ترتیب می‌توان به این موضوع اشاره نمود که متغیرهای این پژوهش از نوع اسمی و کیفی بوده و متغیرهای وابسته نیز از همین‌گونه بوده و به متغیرهای مداخله‌گر نیز می‌توان به تاثیر نقش جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز اشاراتی نمود که در غالب مفاهیمی از قبیل راهبرد هایی محسوس و نا محسوس جلوه می کنند.این مقاله سعی بر آن دارد با بررسی مصداق عینی همانند گروه صنعتی بهشهر اثر نادر اردلان که به روش تفسیری –تاریخی و بصورت کیفی صورت می پذیرد، استعاره های بکار رفته در بنای فوق الذکر را تحلیل و واکاوی نماید.

واژگان کلیدی: استعاره، باز آفرینی، گروه صنعتی بهشهر، رویکرد معماران ، هویت اثر معماری

این مقاله برگرفته از رساله دکتری بهاره شوندی باعنوان بازتاب تاریخ معماری ایران در معماری معاصر است که به راهنمایی دکتر منوچهر فروتن و مشاوره دکتر محمد مهدی محمودی و دکتر سید محمود معینی در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در حال انجام است

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

۱. مقدمه

بازآفرینی به یک معنا در وهله اول می‌تواند مطرح کردن یک مساله و بعد یافتن بهترین راه حل برای رفع آن محسوب شود. در معماری بر خلاف هنرهای زیبا، مضاف بر آنکه مساله بصورت ذهنیت هنرمند به عنوان یک مفهوم انتزاعی خلق می‌شود، با مسایل و پارامترهای دیگری نیز روبروست که کاملاً بیرونی و ملموس‌اند، مسایلی نظیر جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، تکنولوژی، اقلیم، عملکرد، ترافیک، سروصدا، سازه، دید و ... . پاسخی که معمار به عنوان حل بهینه این مشکلات می‌یابد، می‌تواند به عنوان محکی برای خلاقیت و باز آفرینی به کار رود. از آنجا که پژوهش های متعددی به بررسی عامل خلاقیت صورت گرفته است، در این پژوهش، ابعاد مختلف خلاقیت به طور عام و در معماری به طور خاص مورد بررسی قرار گرفته و یکی ازنمونه‌هایی از طرح‌های خلاق ارائه شده توسط معماران معاصر ایران که می‌تواند گویای چنین تفکر خلاقی باشد، معرفی شده است.

نمودار ۱: امواج مختلف زندگی بشری از دیدگاه تافلرماخذ: نگارندگان

۱-۱.فواید احتمالی نظری و عملی

معمار برای کاوش و تعمق مدام چندین راه پیش رو دارد که هر یک از آنها را به درستی طی کند، سرانجام به اثر خلاقه خواهد رسید. در این معنا خلاقیت را می‌توان «هدف غایی فرایند تخیل- تحقق عینی یک ایده، تصویر ذهنی، یا بنا» دانست. ایگور استروواینسکی[1] آهنگ ساز، این امر را به بهترین وجه توضیح داده است: در اینجا مقصود ما نه تخیل تنها، بلکه تخیل خلاق است: استعدادی که یاری‌مان می‌کند از مرتبه تصور به مرتبه تحقق آن برسیم. بنابراین تخیل به حوزه اندیشه، و خلاقیت به حوزه آفرینش و ساختن تعلق دارد.

[1]. Igur Strunsky

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

نمودار ۲: دیدگاه‌های استراوینسکی و ارسطو در مورد تصور و آفرینش ماخذ: نگارندگان

۲-۱.پرسش‌های تحقیق

چگونه جریان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز نقش تعیین کننده و شاخصی بر چگونگی شکل گیری آثار معماری و آفرینش آنها دارند؟

نقش و رویکرد معماران و استفاده از استعاره‌های محسوس و نا محسوس در چگونگی کاربرد عناصر و خصوصیات معماری تاریخی ایران در معماری معاصر (تلفیق الگوهای گذشته و کهن الگوهای معماری ایرانی در قالب ارایه طرح نو) در آفرینش و خلق یک اثر معماری به چه صورت نمایش داده می‌شود؟

۳-۱.فرضیه‌های تحقیق (بیان روابط بین متغیرهای مورد مطالعه)

- رابطه خلاقیت و تقلید و رویکرد معماران در رابطه با شکل گیری فضا از لحاظ فرمی- ساختار فضایی و ایده‌های کانسپتی

- بررسی نقش معماران در چگونگی کاربرد عناصر و خصوصیات معماری تاریخی ایران در معماری معاصر (تلفیق الگوهای گذشته و کهن الگوهای معماری ایرانی در قالب ارایه طرح نو)

۲.چهارچوب نظری (مطالعه و نقد منابع تاریخی)

از آنجایی که هدف از مطالعه‌ی حاضر، رسیدن به نتایجی مربوط به علل، تاثیرات و بررسی چگونگی روند رویدادهای گذشته است که می‌تواند به روشن کردن رویدادهای کنونی و پیش بینی وقایع آینده کمک نماید، تحقیق تاریخی می‌بایست مورد استفاده قرار گیرد.

بدین منظور طرح‌ها و ساختمان‌های مهم در ایران در دوره زمانی متاثر از معماری مدرن و پس از آن بررسی خواهد شد. به عبارتی بازه زمانی از سال ۱۳۲۰ تا پایان سال ۱۳۵۷ خواهد بود. بناهایی که در این بررسی با خصوصیات معماری ایرانی، طراحی و ساخته شده‌اند مشخص، طبقه بندی و ویژگیهای آنها تبیین خواهد شد. در واقع، شیوه تفسیری- تاریخی کمک

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

می‌کند تا بتوان تعبیر هر مساله را در موضع درستش بر روی آثار شناخته شده قرار دهیم. این تحقیق تنها راهبردی است که بیانگر شکل دادن به رویدادهای گذشته است. از میان حدود ۲۰۰ بنای عمومی مهم در این دوره متناسب با خصوصیات معماری (راهبردها و استعاره‌های محسوس و نامحسوس)، تعداد ۲۵ بنای معروف در مرحله اول انتخاب و سپس طبق داده‌های تحقیق، طرح‌ها و ساختمانهای احداث شده بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ در ایران و همچنین نظر طراحان و نظریه پردازان در حوزه معماری معاصر ایران و با در نظر گرفتن عوامل تاثیر گذار در طراحی آنها و همچنین در دسترس بودن مدارک موجود تعداد آنها به ۱۰ بنای معروف معاصر تقلیل یافته و مورد بررسی قرار می‌گیرند. داده‌ها از طریق مطالعات میدانی، کتابخانه‌ای و مصاحبه در صورت لزوم جمع آوری می‌گردند. بدین منظور می‌توان جنبه‌های مشاهده پذیر یک پدیده را که قابل اندازه گیری است به روش کمی (تجزیه و تحلیل بناها) مورد بررسی و از طرف دیگر جنبه‌های نهفته یک پدیده (ایده‌های شکل دهنده به طراحی) به روش کیفی مورد توجه قرار گیرد، بنا براین در وهله اول به گرد آوری داده‌های کمی پرداخته، سپس در وهله دوم داده‌های کیفی گرد آوری می‌شوند. بدین ترتیب از طریق تحلیل و جمع آوری کمی و تحلیل شواهد کیفی می‌توان مورد مطالعه را با استفاده از روش آمیخته(کمی و کیفی) بررسی کرد. ، هدف پژوهش حاضر آشکار سازی استعاره های بکار رفته در بازآفرینی و باز نمایی گروه صنعتی بهشهر اثر نادر اردلان می‌باشد.

۳.روش شناسی تحقیق

بنابراین روش پژوهش در این نوشتار به صورت ترکیبی از روش استدلال منطقی و راهبرد نمونه موردی (یا به عبارت دیگر چند موردی) است. ضمن اینکه پارادایم تحقیق بصورت آمیخته (کمی و کیفی) است. به گونه‌ای که فرضیات و گزاره‌های تحقیق در بخش اول، از نظر منطقی به هم مرتبط بوده و مسیر فکری پژوهش را تعیین و هدایت می‌کند . مروری بر آثار معماری آغاز قرن معاصر نشان می‌دهد که جریان‌های فرهنگی و اجتماعی نقش تعیین کننده و شاخصی بر چگونگی شکل گیری آثار معماری داشته‌اند. سیاست نیز به عنوان عامل تعیین کنندۀ جریان‌های اجتماعی تأثیر مستقیمی بر جریان معماری داشته است.

۴. پیشینه تحقیق

۴-۱. خلاقیت

در گذشته بعضی بر این عقیده استوار بودند که ارائه تعریفی جامع و مانع از خلاقیت ناممکن است، چرا که جنبه‌های گوناگون آن در واقع تخصصی تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. این دیدگاه که وایتهد آن را بیان کرده بود، شاید در زمرۀ دلایلی باشد که بر اساس آن معماران، خلاقیت را امری نیاموختنی می‌دانستند.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

جدول ۱: ابعاد مختلف خلاقیت از دیدگاه محققین ماخذ: نگارندگان

ارسطو	خلاقیت	توانایی خلق اثری بکر و مناسب خلاقیت مترادف با معنای «مادۀ آغازین»[۲]
پوینکر (۱۹۰۸)		اثبات با منطق کشف با شهود
پروفسور پولانی (۱۹۵۸)		روشنگری و نوعی آگاهی
برونر (۱۹۵۸)		به عنوان شگفتی اثر بخش
چومی گوتز (۱۹۷۸) در نوشته‌های وایتهد دربارۀ آرای گوتز (۱۹۷۸)	خلاقیت	امور خارق العاده و غیر منتظره و شوک حضور همیشگی خلاقیت تمامی زمینه‌های فعالیت بشری از جمله علم، هنر و فرهنگ سهیم بودن تمام عناصر فرهنگ- زبان، اسطوره هنر، هنر، علم، تاریخ و مذهب در تکامل خلاقیت
گدر (۱۹۷۸)	خلاقیت	تمرین طراحی آموزش طراحی توجه به درک مسائل اجتماعی
دور لینگ (۱۹۹۶)	تحقیق معنا شناسی	رویکردهای منظور شناسی شناخت گرا روان سنجی و روان پویایی
نتیجه		خلاقیت: دارای ابعاد نظری و هم عملی

۴-۲. رابطه خلاقیت و معماری

برخی از فلاسفه‌ی آموزشی ممکن است استدلال کنند که خلاقیت امری ذاتی است و بنابراین نمی‌توان آنرا تدریس نمود. در حالی که ممکن است درست باشد که استعداد، تمایل، نیت و اراده می‌توانند کمک نمایند تا در کودکی خلاقیت را متوجه شد و از طریق روشهای پدید آورنده مؤثر آموزشی، همه بتوانند نسبت به انواع گوناگون نظرات تأثیرات خارجی، دانش و خلاقیت در سنین بعدی حساستر شوند. (برونر[۳], ۱۹۶۲، ۳۵، ایلیچ[۴], ۱۹۷۰، ۵۶).

2 . (Prime matter) : در معنای سنتی، ماده‌ای که در خود کیفیات مثبت مشخصی نیست، اما قابلیت چنین کیفیاتی را در خود دارد (ماده‌ای با کیفیات مثبت بالقوه). مادۀ آغازین در اصطلاح ارسطویی چیزی است (www.xrefer.com,21/04/2001)که در طول تغییر یک عنصر ارسطویی (مثل آب) به عنصری دیگر (مثل هوا) ثابت می‌ماند.

3. Bruner, J. S. (1962). The Conditions of Creativity. In Contemporary Approaches to Creative Thinking. et al. ed. H. Gruber, New York: Atherton, 1-30.

4. Illich, I. (1970). Deschooling Society. Calder and Boyars Ltd., Great Britain.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

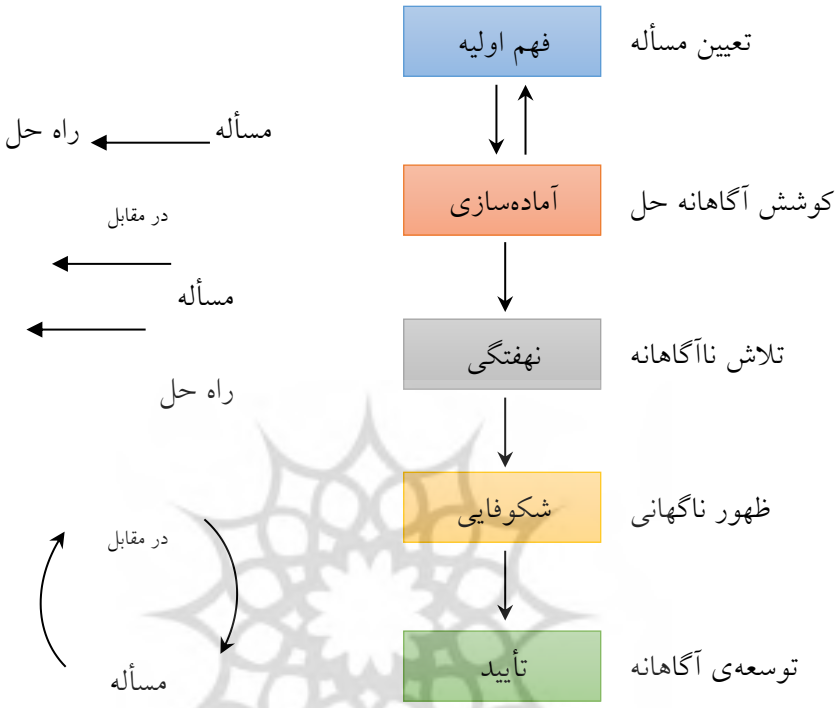

نمودار۱: فرآیند خلاقیت و فرآیند طراحی- برایان لاو سن

مداوار فرض می‌کند که خلاقیت قیاس شهودی سریع می‌باشد که قدرتش را مرهون ضعف قدرت استدلال ما روشنگری، یا نوعی آگاهی می‌باشد و با این وجود عملی سازنده در کشف معماری است که تصویر ناقص از جهان ممکن را مرتفع می‌نماید. خلاقیت فراتر از تجزیه و تحلیل توهم رومانتیکی است که ما پشت سر گذاشته، شاید نتوان آنرا فرا گرفت اما می‌توان آنرا مسلماً ترویج کرد و تشویق نمود.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

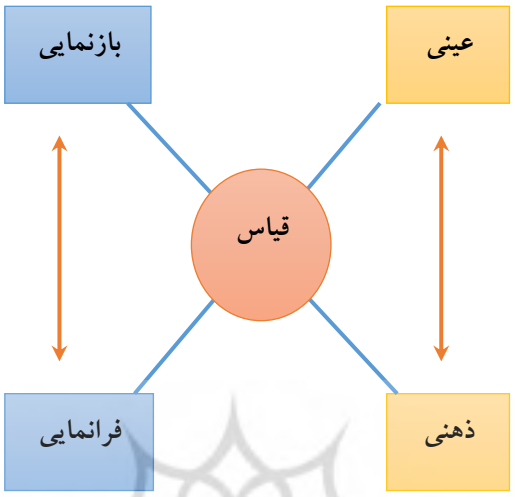

نمودار۲. درجه‌بندی قیاس از عینیت تا ذهنیت و از بازنمایی تا فرانمایی- برایان لاو سن

۴-۳. فرایند خلاقیت

بدون درک وابستگی‌های میان مفاهیم «واقعی» و «غیر واقعی»، «تصور» و «تخیل »، داشتن فهمی درست از پیش شرط‌های ضروری فرایند خلاقیت یا مبادرت به گسترش و پرورش آنها (تصور و تخیل) غیر ممکن است. به عقیده صاحبنظران تصور و تخیل، این دو پیش شرط ضروری برای خلاقیت معمارانه، حتی بیش از استعداد ذاتی معمار، با اراده قوی، پشتکار و مداومت و تعلیم و تربیت وی امکان پرورش و ترقی دارد.

۴-۴.تخیل، تصور، واقعیت

تخیل عامل تسریع کنندهٔ تصور است، در حالی که تصور نوعی صافی است که تخیل برای پیوستن به واقعیت باید از آن بگذرد. وقتی شخصی مجبور است بدواً چیزی را تصور کند که آن را درک یا مشاهده نمی کند، یا آن چیز جزو دانسته‌های وی از «واقعیات ملموس»[۲] نیست؛ و ناگزیر است که بر این اساس چیزی را از جهان «جهان خیالی»[۳] تصور کند، آنگاه در سطح تصاعدی[۴] تصور عمل می‌کند.

۴-۵.تکنیک‌های خلاقیت در ایجاد فرم

فرم کالبدی جدا از سازه و منطق (به مفهوم گسترده آن) را در نظر گرفته می شود.

۲. tangible reality
۳. imaginary world
۴. exponential

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

۱-نمایش ارزش۲- ایجاد ابهام۳- ایجاد تنش۴- تغییر پذیری فرم و ساختار شکنی۵- استفاده از استعاره‌های محسوس و نامحسوس۶- استفاده از پارادوکس و متافیزیک (کامران افشار نادری،۱۳۸۹:۴)

۴-۶. سیر مراحل خلاقیت در افراد

صاحب نظران علم خلاقیت، در پاسخ به این سؤال که: «انسان‌ها چگونه از خود خلاقیتی بروز می‌دهند؟» متأسفانه تا کنون تصویر خلاقیت به شکل مجزا و به هم پیوسته هستند، اتفاق دارند.

نمودار۳: چرخه مراحل سیر خلاقیت ماخذ: نگارنده

۴-۷.موانع خلاقیت و انواع آن

دوریس جی(۱۹۹۳) معتقد است عمده موانعی که برای بروز خلاقیت‌ها در انسان مطرح است به صورت زیر ذکر می‌شود.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

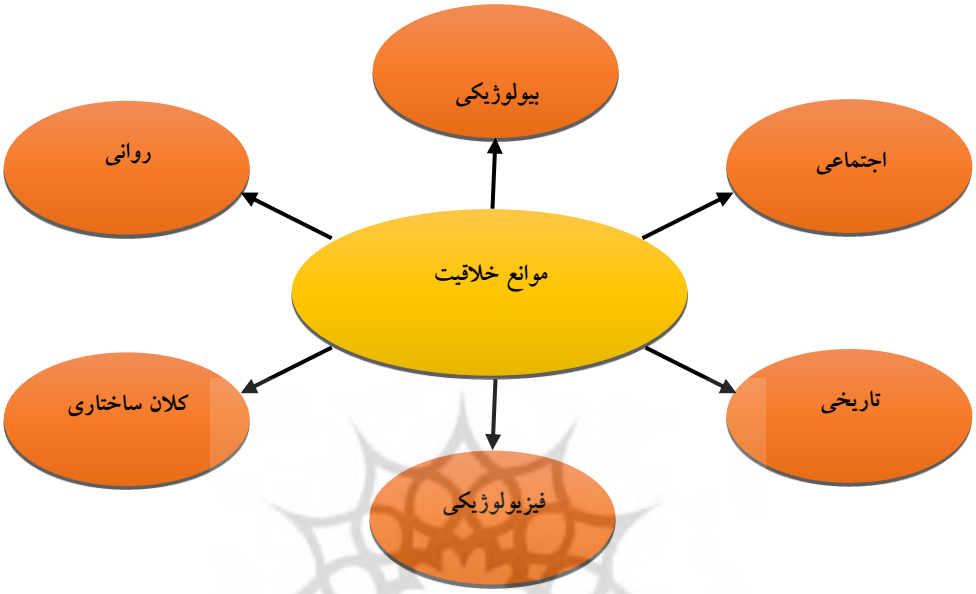

نمودار ۴. موانع ششگانه خلاقیت ماخذ: نگارندگان

۴-۸.بازتاب خلاقیت در آفرینش فرم معماری

نگاه کردن متفاوت به مسأله و رسیدن به یک راه حل جدید، همان چیزی است که عموما از آن به خلاقیت تعبیر می‌شود، خلاقیت در حقیقت، فرآیندی است که در ذهن فرد خلاق و آفرینشگر اتفاق می‌افتد.

۴-۹. فرآیند نو اندیشی و خلاقیت هنری

به اعتقاد «بوهم»، «روحیه هنری» که بعنوان طلب و تلاش برای درک و رسیدن به تناسب و زیبایی است، اساساً هم نیاز آحاد بشر است و هم قابلیتی است که در همه افراد می‌تواند احیاء و تقویت شود و این میان هنرمندان و دانشمندان خلاق کسانی بوده‌اند که توانسته‌اند در فراسوی موانع و محدودیت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی و با عبور از عادات ذهنی استحکام یافته در بطن محیط پیرامون خود، افق‌های تازه خلاقیت و نواندیشی را در مقابل خویش بگشایند.

۴-۱۰.تکنولوژی، خلاقیت، محیط زیست عرصه‌ای برای رقابت در معماری

از زمانی که بشر نیاز به یک سر پناه مناسب را برای امنیت و آرمش کار و زندگی خود احساس نمود، همواره در تلاش برای ایجاد یک چنین فضایی بوده است، با نگاهی به تاریخ شاید بتوان دوره‌ها و سبک‌های مختلف معماری را شناسایی و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را مقایسه نمود. یکی از محوری‌ترین عوامل رشد و توسعه بناها، تکنولوژی ساخت و پیشرفت‌های علمی بشر در دوره مرتبط با خودش می‌باشد.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

۴-۱۲.طبیعت ترکیب زیبایی و فرم ساختاری

نمودار۵.طبیعت ترکیب زیبایی و فرم ساختاری: نگارندگان

۴-۱۳. رابطه و تعامل بین سیر آفرینش (کشف و خلق) اثر معماری و خلاقیت

شرط ورود به بحث آفرینش اثر معماری، شناخت و آگاهی از موقعیت زمانی‌ای می‌باشد که ما در آن حضور داریم. موقعیت و موضعی که جایگاه ما را در هستی و نوع نگاهمان به آن را مورد دقت قرار داده و با پدید آوردن شمایی جامع از سیر تحول تاریخ، زمان حاضر رادر آن تعریف نموده، و نوع رابطه آدمی را با زمان‌ها و اعصار مختلف تعیین می‌نماید.

۴-۱۴. نقش ادراک در خلاقیت

تفاوتی که یک معمار با سایر افراد دارد در قابلیت او به داشتن چشم اندازهای متفاوت و درک امکانات مختلف برای ارائه راه حل‌هایی خلاقانه و یا شناخت زمینه‌های موجود در جهت رفع نیازهای واقعی انسان است. معماری زمانه‌ی ما ایجاد آن فضایی است که دیده نمی‌شود. اما بیشترین تأثیر را می‌گذارد.

۴-۱۴-۱.روند درک

موضوع معماری به دلیل ماهیت متفاوت آن با دیگر هنرها، تنها محدود به انگیزش حسی و یا به چالش کشانیدن عقلانیت نیست. چه بسا اگر در همین حد باقی بماند به چیزی در حد بنای یاد بود تبدیل می‌شود. شخصاً معتقدم اثری سترگ، که با انسان و محیط اطراف خود تعامل مفید برقرار نکند، حتی اگر بسیار زیبا باشد نمی‌تواند عنوان اثر معماری را به خود اختصاص دهد.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

۴-۱۴-۲.معماری، خلق یا درک

پروژه معماری ابداع ساختار نیست کسی می‌تواند ادعا کند ساختاری را ابداع کرده که مشابه آن ساختار در طبیعت وجود نداشته باشد بلکه ابداع بینشی است که در اثر ایجاد آن، ساختار پدید می‌آید. از دیدگاه حل مسئله به شیوه خلاقانه و در فرایند خلاقیت و حل مسئله، ما به سمت رفع نیاز حرکت می‌شود.

۴-۱۵.خلاقیت، طراحی، نقد معماری (ایده تا فرم طراحی تا آفرینش اثر معماری)

همانقدر که در معماری، داشتن ایده مهم است، فرم نیز اهمیت دارد. ایده‌ها، مصالح طراحی هستند و فرمها تبلور فرآیند تولید، پالایش و تلفیق ایده‌های خرد و کلان، برای رسیدن به ساختاری منسجم، در معماری، به معنی خاص آن، ساختن ایده و فرم مناسب آن مهمتر از ساختن بناست. شرط ورود به بحث آفرینش اثر معماری، شناخت و آگاهی از موقعیت زمانی‌ای می‌باشد که افراد در آن حضور دارند. موقعیت و موضعی که جایگاه ما را در هستی و نوع نگاهمان به آن را مورد دقت قرار داده و با پدید آوردن شمایی جامع از سیر تحول تاریخ، زمان حاضر رادر آن تعریف نموده، و نوع رابطه آدمی را با زمان‌ها و اعصار مختلف تعیین می‌نماید

۴-۱۶. اداره مرکزی گروه صنعتی بهشهر

معمار ساختمان گروه صنعتی بهشهر، نادر اردلان، یکی از معمارانی است که پس از اتمام تحصیلات خود در آمریکا و بازگشت به ایران، به جریان معماری موجود وارد نشد و مطالعه و تحقیق خود را برای شناخت معماری گذشته ادامه داد و با

تصویر ۱: فضای داخل حیاط مرکزی منبع: کتاب نقد آثاری از معماری معاصر ایران

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

تحلیل و بررسی معماری کهن و تاریخی ایران، به کشف روابط موجود در خلق آن آثار و بهره‌مندی از اصول آن برای خلق فضاهای امروزین، مبادرت ورزیدند. شاید در آثار این گروه اخیر از معماران، به لحاظ کالبدی، شباهتی با آثار گذشتگان وجود نداشته باشد، اما بیان معماری آنها، تداوم اندیشه‌های گذشته و در امتداد آن تجربه‌ها است. نشانه‌هایی از استفاده متهورانه و ظریف طراح از الگوی معماری سنتی ایران در ساختمانی که دارای عملکردی نو است. وجود حیاط میانی و حلقهٔ منظم و متقارن گرد آن ساختمان را «درونگرا» می‌کند. در عین حال، بنا- مانند همگی ساختمان‌های امروزی- پنجره‌هایی بسیار رو به همسایگان و خیابان‌های اطراف می‌گشاید، و به این ترتیب واجد «دو رو» می‌شود.«دو رو» داشتن ساختمان- امری که در الگوهای سنتی نیز بی سابقه نیست تصمیمی است که ساختمان صنعتی بهشهر را با همسایگانش هم آواز می‌کند- با بناهایی

که همگی رو به خیابان دارند و بر طبق الگوهای شهر سازی امروز شکل گرفته اند[1]. ساختمان مرکزی گروه صنعتی بهشهر، با ایجاد حیاطی میانی در دل خود «عالمی مستقل» پدید می‌اورد، و در عین پیوند با شهر خود را مستقل از آن می‌نمایاند. ساختمان با گشودن پنجره‌های بسیار خود رو به این حیاط به آن عزت می‌بخشد و آن را به کانونی مهم تبدیل می‌کند. عقب نشینی طبقات نسبت به حیاط زاییدهٔ میل طراح به خرد کردن ارتفاع بلند حیاط است. اولین عقب نشینی در جداره‌های طبقه اول به میزان قابل توجهی برسطح حیاط افزوده است؛ در مرتبهٔ بعدی عقب نشینی‌های تراز دوم و سوم شکل می‌گیرد که مقدار آن بسیار کمتر از اولی است. نکتهٔ مهم دربارهٔ طبقهٔ نهایی (چهارم) آن است که علی رغم اینکه در این تراز عقب نشینی اتفاق نیفتاده، اما شکل گرفتن فضایی نیم باز در جلوی اتاق‌ها موجب می‌شود سایه روشنی در بالای این نمای بلند دو طبقه پدید آید که خاتمهٔ خوبی برای جداره‌های حیاط می‌سازد. طراح با استفاده از این تمهیدات متنوع حساسیت خود را نسبت به خلق تناسبات دلپذیر نمایش می‌دهد؛ اگر چه با رشد گیاهانی که به زیبایی از باغچه‌های مفصل طبقات مختلف بر روی نما ریخته اند بسیاری از این ریزه کاری‌ها امروز از نظر پوشیده می‌ماند.

فضای صمیمی‌ای که با این تمهیدات به وجود می‌آید به واسطهٔ دو حجم نامأنوس و سنگین محور شمالی- جنوبی دستخوش تغییر می‌شود. حجم‌های یاد شده که سرویس بهداشتی را در بر می‌گیرد مجسمه‌های بزرگ این حیاط اند. گویی که این دو حجم بتنی از ساختمان مدرن به عاریت گرفته شده‌اند- از ساختمان غول اسا (Mega- Structures)، که از ترکیب پایه‌های قدرتمند (Core) و صفحات آزاد (Deck) تشکیل می‌شوند، و در معماری صمیمی حیاط غریب و بیگانه به نظر می‌رسند. نمای بیرونی بنا نمایی متقارن است که منهای تفاوت اندکی در نمای شرقی (نمای ورودی) عیناً در هر چهار جانب تکرار شده است.

[1]. نقد آثاری از معماری معاصر ایران، پژوهش تدوین مهندسین مشاور نقش، ص ۸۹– ۸۸

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

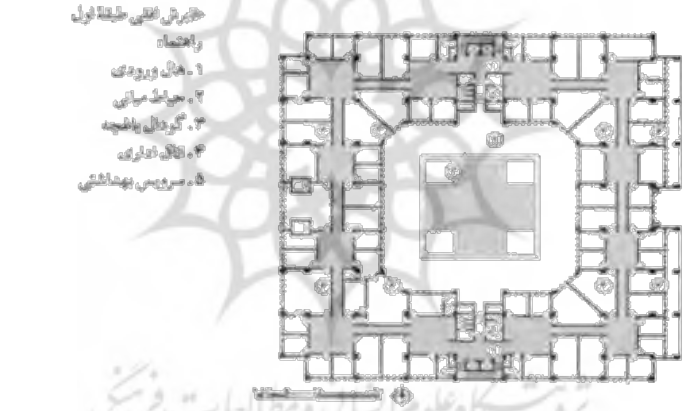

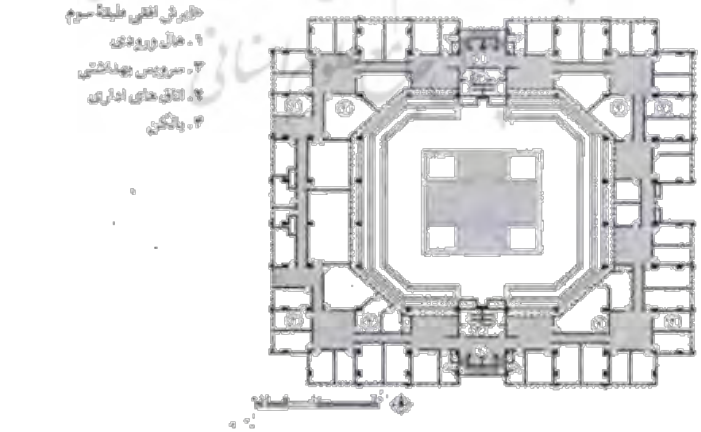

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

تصویر ۲: نمای داخلی و خارجی و پلانهای گروه صنعتی بهشهر

نمای بیرون دارای تقسیمات متعددی بر اساس دو پارۀ بزرگ در طرفین و یک پارۀ کوچکتر در میانه است. این کیفیت را می‌توان بخصوص در نمای ورودی به خوبی ملاحظه کرد.هر یک از دو پارۀ بزرگ طرفین خود واجد تقسیمات کوچکتری بر اساس هندسۀ سازۀ بنا است. و در دل این قاب‌ها نیز تقسیمات دیگری توسط تیغه‌های بتنی بین پنجره‌ها به وجود آمده است. طرح نمای ورودی اصلی قابل توجه است. گویی بر سر در ورودی، طاق مقرنس ساده شده و درشتی با استفاده از اشکال متعامد و تخت قرار گرفته است. حجم ورودی کاملاً نسبت به پاره‌های طرفین عقب می‌نشیند، و به این تمهید جلو خانی در محل ورودی فراهم می‌آورد. اما به دلیل آنکه بخش زیرین این نما (یعنی در ورودی) کاملاً به عمق رفته و خود را از سطوح بالایی جدا کرده است، جایگاهی نظیر «ایوان» در آثار سنتی پیدا نمی کند.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

طرح نمای ورودی اصلی قابل توجه است. گویی بر سر در ورودی، طاق مقرنس ساده شده و درشتی با استفاده از اشکال متعامد و تخت قرار گرفته اســت. حجم ورودی کاملاً نســبت به پاره‌های طرفین عقب می‌نشــیند، و به این تمهید جلو خانی در محل ورودی فراهم می‌آورد. اما به دلیل آن که بخش زیرین این نما (یعنی در ورودی) کاملاً به عمق رفته و خود را از ســطوح بالایی جدا کرده اســت، جایگاهی نظیر «ایوان» در آثار ســنتی پیدا نمی‌کند. نمای بیرونی ســاختمان طبق انتظامی کلاســیک طراحی شده است و در آن می‌توان یک طبقهٔ پایه، یک طبقهٔ فوقانی و سه طبقهٔ میانی را به عنوان پاره‌های این انتظام تشخیص داد.

تصویر۳: پاره‌های تشکیل دهنده نمای ساختمان طرح فواره حیاط داخلی اثر (کارل اشلامینگر) ماخذ: آرشیو نگارندگان

جدول ۲: تحلیل گروه صنعتی بهشهر ماخذ: تجزیه و تحلیل ده اثر از پنجاه سال معماری معاصر ایران تدوین: نگارندگان

۱- فرم						
۱-۱- مشخصات بصری فرم						
شکل	اندازه	رنگ	بافت	مکان	نور	تعادل بصری

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

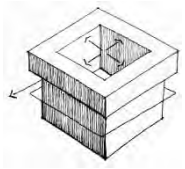	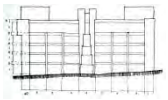	بتنی-خاکستری 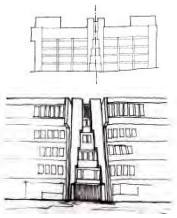
۱-۲- طراحی شکل فرم		
تغییرات ابعادی	الحاق و کاهش	تفکیک فرم با وجوه
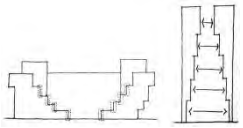	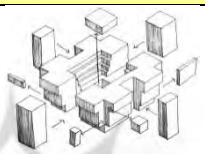	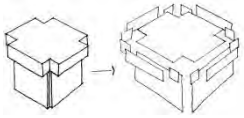
۲- فضا		
عوامل تأثیر گذار بر کیفیت فضا		
رنگ	شکل	نور
بتنی-خاکستری	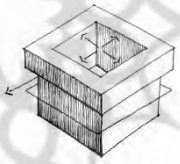	
۳- فرم و فضا		
محصوریت و ترکیب سطوح عمودی		بازشوها
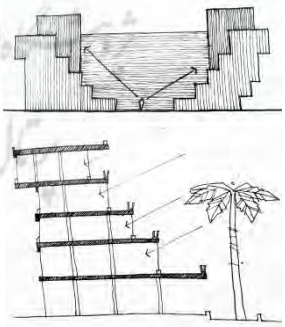		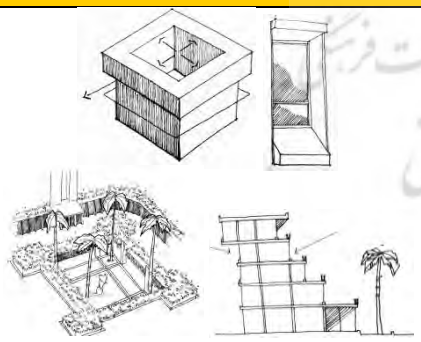
۴- فرم، فضا و عملکرد		
سازماندهی فضایی	سیرکولاسیون	عرصه و حریم‌ها
مرکزی 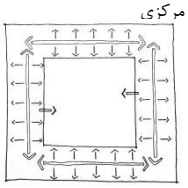 خطی شعاعی	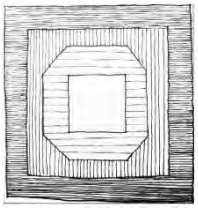	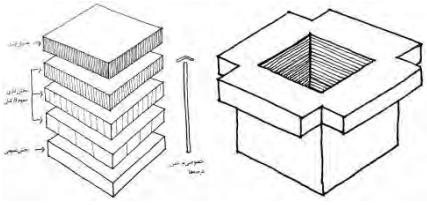

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

مجموعه‌ای شبکه‌ای					
۵- اصول نظام‌دهنده					
محور	جزء و کل	تکراری و مجرد	سلسله‌مراتب	توازن و تقارن	هندسه و تناسبات
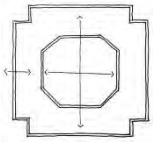	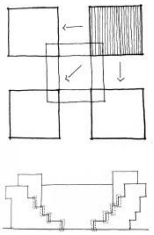	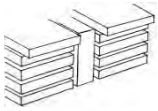	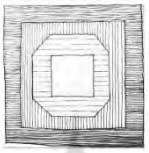	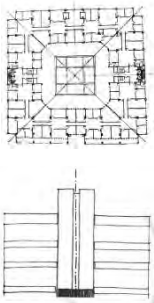	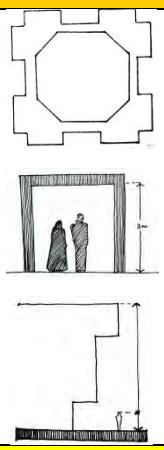
۶- ورودی به عنوان نماینده بنا					
فرم ورودی		فضای ورودی		اصول نظام دهنده در ورودی	عملکرد ورودی
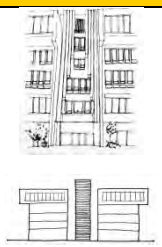		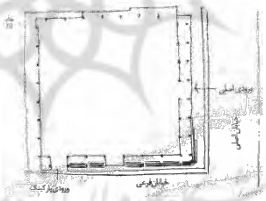			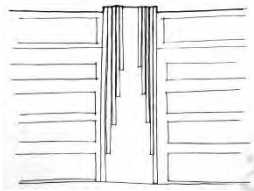
۷- عوامل تأثیرگذار بر طراحی					
عوامل طبیعی و اقلیمی		همسایگی و معابر		عوامل فرهنگی	عوامل سازه‌ای و تکنولوژی
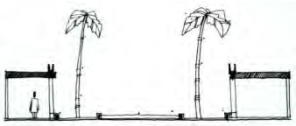		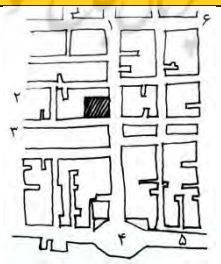			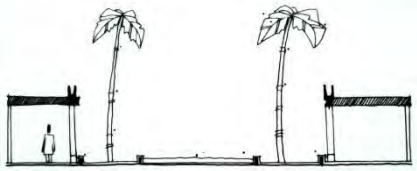

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

جدول ۳ : ایده‌های تأثیرگذار در طراحی (ساختمان مرکزی گروه صنعتی بهشهر) ماخذ:نگارندگان

ایده‌های تأثیرگذار در طراحی(ساختمان مرکزی گروه صنعتی بهشهر)	مدرن(محسوس)	« دو رو» داشتن ساختمان- امری که در الگوهای سنتی نیز بی سابقه نیست تصمیمی است که ساختمان صنعتی بهشهر را با همسایگانش هم آواز می‌کند- با بناهایی که همگی رو به خیابان دارند و بر طبق الگوهای شهر سازی امروز شکل گرفته اند. سازهٔ بتنی، بنا بر اساس شبکه‌ای منظم و متقارن (به ابعاد پایهٔ ۷ ✕ ۷ و ۵ ✕ ۳/۷ متر) ایجاد دو برج بتنی، حاوی راه پله، آسانسور و سرویس بهداشتی بر دو انتهای محور شمالی- جنوبی ساختمان استفاده از دو حجم بتنی از ساختمان مدرن (ساختمان غول اسا (Mega- Structures)، که از ترکیب پایه‌های قدرتمند (Core) و صفحات آزاد (Deck)) دارای تقسیمات متعددی بر اساس دو پارهٔ بزرگ در طرفین و یک پارهٔ کوچکتر در میانه نمای بیرون (اعمال تقسیمات کوچکتری بر اساس هندسهٔ سازهٔ بنا) طراحی تیغه‌های بتنی بین پنجره‌ها طراحی نمای بیرونی بر مبنای مناسبات جدی‌تر شهر و دنیای مدرن
	سنتی(نا محسوس)	نشانه‌هایی از استفاده متهورانه و ظریف طراح از الگوی معماری سنتی ایران در ساختمانی که دارای عملکردی نو است. وجود حیاط میانی و حلقهٔ منظم و متقارن گرد آن ساختمان را «درونگرا» می‌کند ایجاد گودال باغچه فضاهای داخلی کاملاً متقارن اند و آرایش آنها از محورهای تقارن یاد شده پیروی می‌کند. احساس معنایی متفاوت با معنای «ایوان» در معماری ایرانی ایجاد حیاطی میانی با«عالمی مستقل» در عین پیوند با شهر عقب نشینی تدریجی طبقات در دیواره‌های حیاط تراش ایجاد قاب‌های ظریف و پر عمق بتنی با پنجره‌های قدی و بزرگ استفاده از سطوح وسیع آب و حجمی از فضای سبز اختصاص تمامی سطح گودال باغچه به آب و سبزه استفاده ازپنج آبنمای مربع شکل، یکی در مرکز و چهار آبنما در اطراف آن، به همراه چهار باغچهٔ سبز در گوشه ها کاشت منظم درختان طراحی فضای باز ایجاد فضای صمیمی‌به واسطهٔ دو حجم نامأنوس و سنگین محور شمالی- جنوبی ایجاد رواق در طبقهٔ همکف کاهش سنگینی حجم با تمهیدات مختلف نما راو تقسیم به واحدهای کوچکتری توسط طراح طراحی نمای داخلی بر اساس مناسباتی عاطفی(«صمیمانه تر» و «خانگی تر»)

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

۵-نتیجه گیری:

در نگاهی جامع تر، راهبرد استعاری می‌تواند برای هر فرد خلاقی مفید و سودمند باشد. استعاره فرصت‌هایی را برای دوباره دیدن یک اثر مورد تأمل پدید می‌آورد، فرد خلاق را وادار می‌کند تا مجموعهٔ تازه ای از پرســـش‌ها را مد نظر قرار دهد و به تعابیر جدیدی نائل شود و سرانجام اینکه ذهن را به قلمروهای ناشناخته هدایت می‌کند. بنابراین محدودیتی در استفاده از این راهبرد برای همگان وجود ندارد، اما این بدان معنا نیست که استفاده از آن امری سهل و برای همه سودمند است.

در میان معماران قرن حاضر استفاده از استعاره به عنوان راهبردی به سوی خلاقیت معماری بسیار مورد توجه بوده است. اســتعاره به عنوان راهبردی بنیادین، بیش از اینکه گره ای از مشـکلات کاربران۴ یا منتقدان بگشـاید، برای آفریننده سـودمند است. حتی می‌توان گفت بهترین استعاره‌ها آنهایی هستند که کاربران یا منتقدان قادر به رمز گشایی آنها نباشند. در اینگونه موارد استعاره‌ها «رازهای کوچک» خلاقان اند. استعاره را در موارد زیر به کار گرفته می‌شود:

الف) زمانی که تلاش می‌شود تا اشارات[۳] را از موضوعی- ذهنی یا عینی- به موضوع دیگر معطوف گردد.

ب) زمانی که سعی می‌شود موضوعی- ذهنی یا عینی- را طوری «نگریسته» که انگار موضوع دیگری بوده است.

ج) زمانی که تمرکز خود را از عرصه ای دیگر معطوف می‌شود (با این امید که از طریق بسط موضوع و با تمسک به این روش، بتوانیم موضوع مورد نظر را روشن گردد.)

استعاره را می‌توان در سه دسته کلی طبقه بندی کرد: نامحسوس، محسوس و ترکیبی.

۱- استعارهٔ نامحسوس۴: هنگامی پدید می‌آید که سرچشمهٔ نخستین خلق اثر، نوعی مفهوم، ایده، حالت انسانی یا کیفیتی ویژه (مثل فردیت، طبیعی بودن، عمومیت، سنت یا فرهنگ) باشد.

۲- استعارهٔ محسوس۵: هنگامی خلق می‌شود که منشاء آغازین خلق اثر، بعضی از ویژگیهای بصری یا مادی باشد (خانه ای شبیه قلعه یا سقفی شبیه گنبد آسمانی).

۴.users
۳.references
۴.intangible metaphor
۵.tangib metaphor

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

۳- استعارۀ ترکیبی۶: آنی است که شامل این هر دو سرمنشاء به گونه ای توأمان است. در این استعاره، ویژگی بصری- مادی دستاویزی است برای آشکار ساختن برتری ها، کیفیات، و خصوصیات قالب بصری خاص

نمودار ۸: مدل مفهومی بازآفرینی: ماخذ: نگارندگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶. combined metaphor

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

منابع

افشار نادری، کامران تکنیک های خلاقیت و آنتونیادس، بوطیقای معماری، مجله معمار ، شماره ۹ ، ص ۴ تا ۱۲، ص ۲۷ تا۱۴۳)

انصاری، حمید رضا (۱۳۸۲)، " تعلیق و تقلید"، مجله معماری و شهر سازی، شماره ۷۳-۷۲، صص ۲۱-۱۴.

اقبالی، رحمان (۱۳۷۸)، هویت معماری معاصر ایران، بررسی تطبیقی نظریه ها و تجربه ها"، پایان نامه مقطع دکتری معماری دانشگاه تهران.

افشار نادری، کامران (۱۳۷۸)، "خلاقیت" ، مجله معمار، شماره۷، صص۳-۷

افشار نادری، کامران (۱۳۷۸)،" طرف دیگر پل: درباره ماریوبوتا"، مجله معمار، شماره ۷، صص ۴۸-۶۳

احمدی، بابک (۱۳۷۵)، "حقیقت و زیبایی"، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.

آنتونیادس، آنتونی سی (۱۳۸۳)، "بوطیقای معماری"، ترجمه احمد رضا آی، تهران: انتشارات سروش.

بصیری تویسرکانیۀ مصطفی (۱۳۸۲)، "افلاطون، ارسطو، هنر و تقلید"، نشریه کتاب ماه (ادبیات و فلاسفه)، شماره ۹۸-۹۹،صص۳۲-۳۹

بسکی، سهیلا (۱۳۷۹)،" دیداری دیگر با کامران دیبا" ، مجله معماری، شماره ۱۰، ص۸.

پیر نیا، محمد کریم (۱۳۸۰)، "سبک شناسی معماری ایرانی"، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، انتشارات پژوهنده- معمار

ذاکری، سید محمد حسین (۱۳۸۵)، " تاثیر پذیری آگاهانه از معماری یشرو زمانه"، مجله معماری و شهر سازی، شماره ۸۴، صص ۱۱۶-۱۱۷

ضیمران، محمد (۱۳۷۷)، "هنر و زیبایی"، تهران: نشر کانون.

قبادیان، وحید (۱۳۸۲)، "مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب"، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.

کرتیس، ویلیام (۱۳۷۸)، "آلوارآلتو و مناظر اساطیری"، ترجمه فرزانه طاهری، مجله معمار، شماره ۴،صص ۷-۱۶

Agabani, F. A. (1980). Cognitive Aspects of Architectural Design Problem Solving, PhD Diss., University of Sheffield, UK: Sheffield.

Benedikt, M. (1992). Deconstructing the Kimbell: An Essay on Meaning and Architecture. Sites-Lumen Books, New York.

Bruner, J. S. (1962). The Conditions of Creativity. In Contemporary Approaches to Creative Thinking. et al. ed. H. Gruber, New York: Atherton,

Durling, D. (1996). Virtual Personalities. In 4D Dynamics Conference on 'Design & Research Methodologies for Dynamic Form', Editor – Alec.

Grosz, E. &Eisenman, P. (2001). In-Between: The Natural in Architecture and Culture. In Architecture From The Outside: Essays On Virtual And Real Space. ed. Elizabeth Grosz , Peter Eisenman and E. A. Grosz, USA: MIT Press, 91-107.

Gur, S. O. (1978). Social Sciences in Architectural Education: a Proposed Approach. PhD Diss., U. of Pennsylvania. Ann Arbor, Michigan:Microfilm Laboratories.

Gur, S. O. (2008). What is creative? Creativity in architectural theory, practice and education (keynote speech). In DesignTrain Congress proceedings book - part I, 9-25, June 4-7 2008, Amsterdam.

Johnson, P. A. (1994). The Theory of Architecture Concepts, Themes and Practices. New York: Van Nostrand Reinhold.

.Polanyi, M. (1958).Personal Knowledge towards a Post Critical Philosophy.London: Routledge.

Lawson, B. (1997). How Designers Think. (3rd ed.). Architectural Press, London.

Smith, P. F. (1979). Architecture and the Human Dimension. London: George Godwin Limited.

مجله معماری منظر و طراحی باغ

دوره۲، شماره۳، بهار۱۴۰۵

ص۱۱۶-۱۳۸

E-ISSN: 3115-9265

Tschumi, B. (1991). Event Architecture. In Architecture in Transition: Between Deconstruction and New Modernism. ed. Peter Noever, Munich: Prestel, 125-130.i

Copyright:© 2026 by the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی